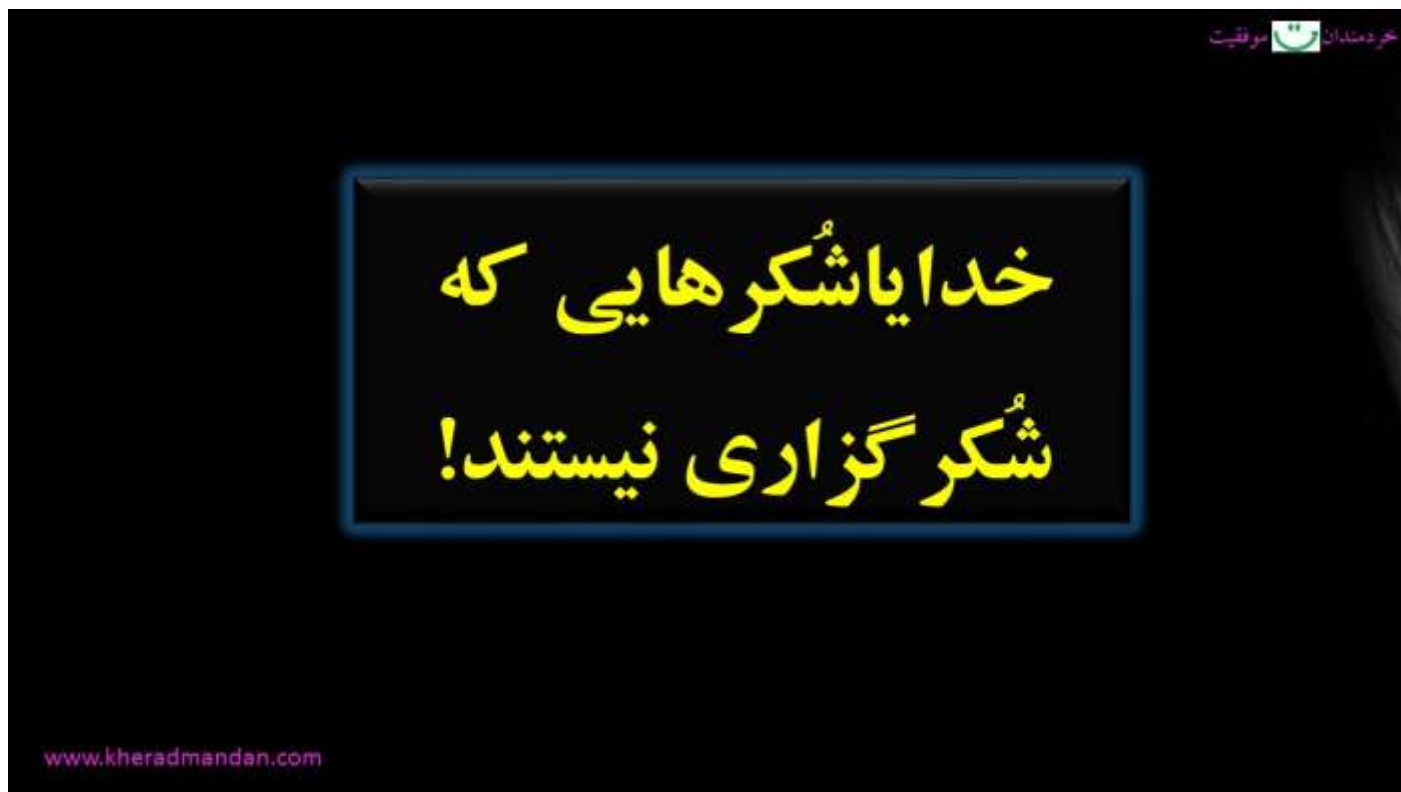


خدایا شکرهایی که شکرگزاری نیستند!



یکی از عوامل مؤثر در ورود نعمت و ثروت به زندگی ما شکرگزاری است. زمانی که شروع به گفتن جملاتی مثل: "خدایا ممنونم"، "خدایا شُکرت"، "سپاسگزارم پروردگارم"، "خدا جون شُکرت" می‌کنیم، توجهمان را بر روی دارایی‌های مادی و معنوی خود متمرکز می‌کنیم، حس خوبی در درون ما ایجاد می‌شود که این حس خوب انرژی بسیار زیادی در جسم و روحمان می‌دمد و ما را سر حال تر می‌کند، این انرژی یک انرژی درست و حاوی ارتعاشی صحیح در مسیر الهی است.

شکرگزاری شناختن نعمت‌های خداوند و شاد شدن به آن و انجام کارهایی در مسیر صحیح برای موفقیت بیشتر و رشد جهان است.

امام رضا(ع) فرمود: «مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمُنْعِمَ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ»؛ کسی که، نعمت دهنده از مخلوقات را شکر گزار نباشد، شکر گزار خداوند نیز نخواهد بود». این روایت به صراحت بر مطلب مورد نظر دلالت دارد. امام صادق(ع) فرمود «در تورات نوشته شده: سپاس کن آن را که بر تو نعمت داده و نعمت بده آن را که از تو سپاس گزار است، با سپاس کردن نعمت‌ها پایان نمی‌پذیرد، اما کفران، نعمت‌ها را باقی نمی‌گذارد، شکر و سپاس باعث زیادی نعمت‌ها و ایمنی از دگرگونی‌ها می‌شود»

اما برخی از **خدایا شُکرت** گفتن‌ها، نه تنها شکرگزاری نیست بلکه مصداق ایجاد احساس منفی و عامل به دست آوردن نتیجه ناخواسته ناشی از آن احساس است. چند نوع از این شکرگزاری‌های ناصحیح را در زیر آورده‌ام: اولین نوع، شکرگزاری توهین وار و از سر اجبار است. به عنوان مثال می‌گوییم: "خدایا شُکرت اما کاش بدونی من چی می‌کشم" در حقیقت این کار ناشکری است و مصداق ارتعاش مخالف با جریان قانون هستی است.

دومین نوع، شکر بر وجود مشکل در دیگران است. شکر بر بدبختی هر فردی حتی دشمن هم خوب نیست. سومین نوع، شکرگزاری بر سلامتی یا داشتن نعمتی است که بودنش عادی است و دیگران ندارند، است. این نوع از شکرگزاری اشتباه تفاوت بسیار ظریفی با شکرگزاری درست دارد، وظیفه ماست که برای داشتن سلامتی و نعمت‌ها و فرصت زندگی و توانایی تصمیم‌گیری شکرگزاری کنیم، اما شکرگزاری برای سلامتی خودمان هنگام دیدن یک فرد معلول یا شکرگزاری هنگام دیدن افراد مریض یک شکر گذاری درست نیست.

دلایل بسیار مهمی را راجع به سومین نوع شکرگزاری که مطرح کردم، عنوان می‌کنم، لطفاً در ادامه بحث با من همراه باشید.

اولین نکته این است که:

**(در شکرگزاری سمت توجه ما باید به سمت نعمت‌ها و دارایی‌های خودمان باشد
نه بر روی ضعف‌های دیگران)**

دومین نکته این است که:

هر فردی چه سالم، سلامت جسمی و عقلی، و چه با نقص دارای سه نعمت عالی است: اولی نعمت وجود است، چه بسیار انسان‌هایی که می‌توانستند در جهان باشند و ما نباشیم، اما خدا را شکر که فرصت حضور در جهان را به ما داده است.

دومی نعمت حضور است، بسیاری افراد که الآن دستشان از دنیا کوتاه است اما من و شما دوست عزیز که این متن را می‌خوانید نعمت حضور را داریم و این نعمت آرزوی هزاران پادشاهی است که رفته‌اند و شاید آرزوی هزاران فرد باشد که نیامده‌اند، حضور نعمت ارزشمندی است، چون فرصت رشد را به ما می‌دهد.

سومی نعمت دستی از دستان خداوند بودن است، ما با توجه به شرایط و اختیار و روح عظیمی که داریم، می‌توانیم در جهان خداوند نقشی تأثیرگذار داشته باشیم. می‌توانیم عامل پیشرفت جهان شویم و کاری که در برنامه جهان قابل انجام است را توسط خودمان یا تیمی که عضو هستیم انجام دهیم و آن را به‌عنوان نامی نیکو از خود به یادگار بگذاریم.

نکته بسیار مهمی که امید به اصلاح آن دارم، نگاهی است که به افراد دارای معلولیت ذهنی و یا نقص عضو در جامعه می‌شود. امیدوارم از این تفکر اشتباه که آن‌ها عامل شکرگزاری افراد هستند، دست برداریم و همه را به چشم اینکه فرصت عالی حیات دارند، ببینیم.

من اصلاً معتقد به کامل بودن بقیه نیستم که این افراد را ناقص ببینم، همه ما برای رشد و بهتر شدن به این جهان آمده‌ایم. کامل نیستیم که بخواهیم در مقابل نقص ظاهری دیگران سپاسگزاری بکنیم. سپاسگزاری فقط و فقط باید در قیاس با خودمان باشد و احساس ارزشمندی فقط باید به خاطر حسناتمان باشد نه تفاخرهایی که خودمان در آن نقشی نداریم، سلامت جسمی در زمان تولد، پدر و مادر با اصل و نصب و ثروتمند، شهر و محیط عالی برای رشد و ظاهری زیبا نعمت‌هایی نیستند که به خاطر آن به دیگران فخر بفروشیم. این‌ها نعمت‌هایی هستند که در ظاهر ما حقی در انتخاب آن نداریم.

البته بهترین تلاش این است که بهتر از دیروز خودمان باشیم نه بهتر از دیگران. ما برای رقابت و بالاتر کشیدن خودمان از دیگران به این دنیا نیامده‌ایم، ما برای بهتر شدن از دیروز خودمان، بندگی خداوند و حرکت در مسیر رسالت فردی خودمان و وسیع تر شدن روحمان قدم در جهان گذاشته‌ایم و هیچ کدام از این‌ها احتیاج به نعمت‌های ظاهری ندارند بلکه نعمت‌های دنیا نتایج رفتن در این مسیر است.

همین که بدانید ما روحی هستیم که در این جسم جا گرفته‌ایم و جسم ما امانتی برای رشد روح درونی‌مان است دیگر فکر و ذکرمان حفظ جسم و پرورش آن بدون پرورش روح نمی‌شود. آن موقع است که می‌توانیم به همه انسان‌ها با دیدگاهی بهتر نگاه کنیم. بگذارید دیدگاهی را بیان کنم تا بعد از این هر بار فردی با معلولیتی هرچند شدید دیدید، دیگر با نظر ضعف به او نگاه نکنید:

ما جزئی از روح خداوندیم و همه ما دوست داریم به یک عظمت قلبی و وسعت روحی برسیم، تنها محلی که امکان رشد روح ما و گسترده شدن آن وجود دارد دنیایی است که الآن در آن هستیم. این دنیا شرایط خاصی دارد که روح قبل از حضور در اینجا آن را تجربه نکرده است. در این دنیا خوب و بد، زشت و زیبا، بالا و پایین، ثروتمند و فقیر، شادی و غم، سلامتی و بیماری و... به‌طور خلاصه همه چیز درهم است و هر روحی بخواهد به این جهان وارد شود باید شرایط آن را قبول کند و در ضمن برای حضور در دنیا نیاز به جسمی فیزیکی دارد. جسم‌ها بسیار متفاوت‌اند، از سالم و سرحال و زیبا تا مریض و ناقص. اگر روحی بخواهد رشد کند باید شرایط میزبان فیزیکی‌اش را بپذیرد و واقعیت این است که حضور در دنیا به‌اندازه حتی چند روز و حتی با جسمی مریض عامل رشد روحی ماست و عامل هم جریان شدن با نور الهی است.

یعنی هر جسمی ولو ضعیف و مریض در خود روحی دارد که تمایل به رشد و گسترش دارد و دیدن افرادی که به‌ظاهر مریض‌اند همیشه به من این ایده را می‌دهد که زندگی در این جهان و رشد برای روح الهی ما انسان‌ها آن قدر عزیز است که حاضر شده در این شرایط هم چند مدتی جهان را تجربه کند و تلاش بکند برای رشد. پس من افراد دارای معلولیت‌های سخت را هم ارزشمند می‌دانم چون روح آن‌ها برای رشد قبول کرده‌اند که با سختی زیاد جهان را تجربه کنند، تا بلکه به رشدی برسند و این رشد عامل پیشرفت در بندگی و تجربه زندگی عالی‌تر است.

البته این توجیه من است و به من روحیه می‌دهد، هرچند که در واقعیت هم بسیاری از معلولین زندگی بهتری از خیلی از افراد سالم دارند. و احتمال ضعف در جسم و عقل از هیچ کس دور نیست.

داستان الکساندر زاناردی را شنیده‌اید؟

الکساندر زاناردی متولد ۱۹۶۶ در بلونیای ایتالیاست، زاناردی از ۱۹۹۱ راننده حرفه‌ای مسابقات فرمول یک شد و در سال ۱۹۹۵ از مسابقات فرمول یک خارج شد و در آمریکا وارد مسابقات کارتینگ شد که در فصل تازه موفق شد در سه مسابقه برنده شده و پنج مقام کسب کند. او به سرعت تبدیل به یکی از محبوب‌ترین راننده‌های مسابقه شد. تا سال ۱۹۹۸ او دوازده برد داشت.

در ۱۵ سپتامبر سال ۲۰۰۱ الکساندر و زاناردی در مسابقات کارتینگ در دور پایانی کنترل ماشینش را از دست داد و تصادف وحشتناکی کرد به طوری که قسمت جلوی ماشین وی کاملاً جدا شد و دو پای او از ماشین بیرون زده بود که باعث قطع هر دو پای وی شد. زاناردی در این تصادف حدود سه چهارم خون خود را از دست داد اما مداخله سریع پزشکی و ایجاد کمای مصنوعی باعث نجات جان او شد. پاهای وی نیز پس از عمل جراحی قطع شدند و او برای همیشه معلول شد.

اما این پایان یک قهرمان نبود. زاناردی به جای ناامیدی و یأس، راه مبارزه و پیشرفت را انتخاب کرد. او پس از نگارش زندگینامه خود پس از دو سال از آن حادثه به پیست مسابقه برگشت و با خودروی BMW که برای معلولیت او تغییراتی داده شده بود دور نهایی پیست مسابقه را که نتوانسته بود طی کند را، راند و به پایان رساند. زاناردی در مسابقات FIA World Touring Car Championship قهرمانی اتومبیل BMW در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۹ برای تیم ایتالیا و اسپانیا مسابقه داد.

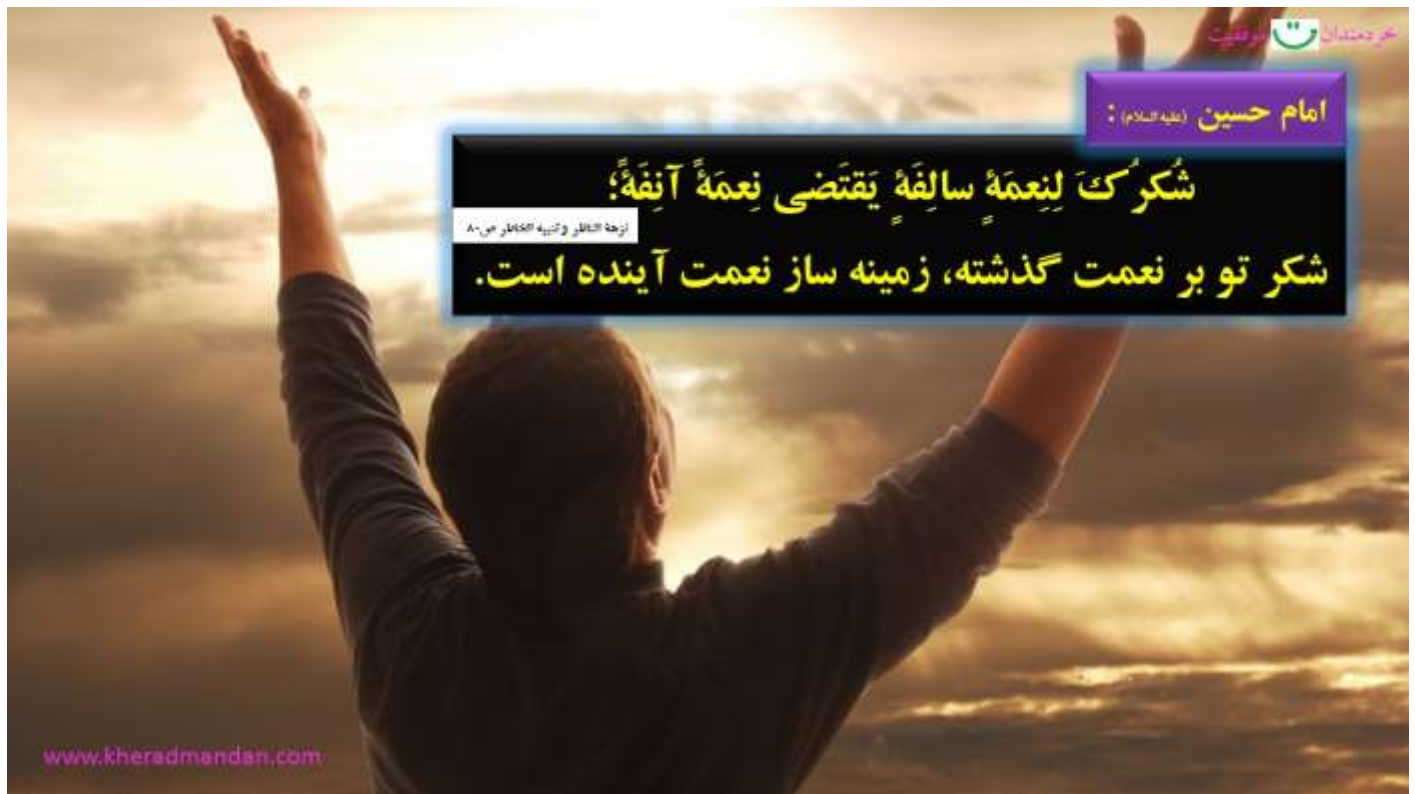
حتی بدون وجود دو پا، او همچنان قهرمان باقی ماند. زاناردی توانست تبدیل به قهرمان مسابقات پارالمپیک شود. زاناردی با دو چرخه (سه چرخه یا ویلچر مسابقات معلولان که با دست، رکاب زده می‌شود) در مسابقات المپیک ۲۰۱۲ لندن، به مدال طلا دست یافت.



الكساندرو زاناردی می گوید: "اگر آن تصادف رخ نمی داد، من کجا بودم؟ چه کسی می داند؟ منظورم این است که من می توانستم یک مردی باشم که شاید دارای پا بود اما به اندازه من شاد نبود. منبع"

زاناردی معتقد است؛ حضور در این دنیای شگفت انگیز فرصتی است که فقط یک بار به همه ما تعلق گرفته است. همه باید از این فرصت زندگی به بهترین شکل استفاده کنیم؛ مهارتی که الساندرو الكس زاناردی در آن استاد است. نتیجه ای که می گیرم این است:

خودمان و داشته هایمان را قدر بدانیم اما دنبال شکرگزاری به وسیله تأکید بر نقطه ضعف دیگران نباشیم، بلکه بر روی شکرگزاری به خاطر نعمت هایی که در خودمان می بینیم و یا خداوند به ما اعطا می کند باشیم. از شکرگزاری صحیح به هیچ عنوان غافل نشوید چون یکی از گلابه های خداوند از بشر در کم بودن تعداد افراد شاکر است، همیشه به خاطر دارا بودن سه نعمت، وجود، حضور و تأثیرگذاری شاکر باشید. به خاطر دارایی های باارزشی که دارید نیز شاکر باشید. تا هم نعمتان زیاد شود و روحتان بزرگ تر شود و بزرگی روح مهم تر از نعمت های مادی است. بزرگی روح باعث سنگینی کفه ترازوی ایمان شما در برابر خطاها می شود.



ممنونم که با خردمندان هستید
هادی آقاجانلو